

علی شهبازی

۴



۱ بهمن ۱۳۱۵ ■
در قید حیات

او در سال ۱۳۶۹ به درجه سرلشکری رسید. شهبازی سمت‌هایی نظیر فرماندهی یگان‌های ارتباطی، معاونت طرح و عملیات، معاونت دفتر مشاورت، سرپرست گروه کار نظامی نهاد ریاست جمهوری، معاونت هماهنگ‌کننده ستاد مشترک ارتش و رئیس ستاد مشترک ارتش (۱۳۶۷-۱۳۷۷) را بر عهده داشت. سرلشکر شهبازی در سال ۱۳۷۷ به‌عنوان اولین فرمانده کل ارتش منصوب شد. او پس از دو سال از این سمت کناره‌گیری کرد.

محمد سلیمی

۵



۱۳۱۶ خورشیدی ■
۱۳۹۴ خورشیدی

او در ابتدای جنگ ایران و عراق، برای مدت یک سال در فاصله سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۰ مسئول ستاد جنگ‌های نامنظم بود. سلیمی از خرداد ۱۳۷۹ و پس از کناره‌گیری علی شهبازی با ارتقاء درجه از سرتیپی به سرلشکری به فرماندهی کل ارتش منصوب شد و در شهریورماه ۱۳۸۴ پس از استعفا از این جایگاه، به‌عنوان مشاور رهبر جمهوری اسلامی در امور ارتش منصوب گردید.

عطاءالله صالحی

۶



۱۸ اسفند ۱۳۲۸ ■
در قید حیات

او در فاصله سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲ معاون نیروی انسانی ستاد کل نیروهای مسلح بود و از ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ معاونت بازرسی ستاد کل نیروهای مسلح را بر عهده داشت. صالحی یکی از ۱۲ نظامی ارشد با درجه سرلشکری در نیروهای مسلح ایران است. او در فاصله سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵ فرمانده کل ارتش بود و از ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ جانشینی رئیس ستاد کل نیروهای مسلح را بر عهده داشت.



بریری» خاطره‌ای را از ایشان نقل می‌کند که خواندندش به ما ثابت می‌کند که فلاحی چگونه در راه میهن خود از هیچ فداکاری دریغ نمی‌کرد. محافظ شهید فلاحی چنین نقل می‌کند: در آبان ماه سال ۱۳۵۹ در سوسنگرد، عملیاتی علیه نیروهای عراقی انجام گرفت تا آن شهر از تعرض دشمنان رهایی یابد. شهید فلاحی در نقطه‌ای میان خط آتش نیروهای خودی و سربازان دشمن برای نظارت بر این عملیات حضور داشت و تنها فرد همراه ایشان من بودم. تبادل آتش بین دو طرف به‌شدت ادامه داشت. انفجار گلوله‌های توپ و خمپاره در اطراف ما به‌طور پراکنده شنیده می‌شد. دکتر چمران در آن عملیات مجروح گردید و تعدادی از رزمندگان ما هم به شهادت رسیدند. به شهید فلاحی پیشنهاد کردم که برای محافظت از ترکش‌ها و گلوله‌ها، از کلاه آهنی استفاده کند، اما او اظهار داشت: «اگر نگهدار من آن است که من می‌دانم شیشه را در بغل سنگ نگه می‌دارد.» باین وجود از ایشان که آن زمان رئیس ستاد مشترک بود خواهش کردم که برای اطمینان خاطر استفاده از کلاه آهنی، هنگام انفجار گلوله‌ها به روی زمین دراز بکشند. شهید فلاحی با لبخندی گفت: «تو از من خاطر جمع باش، چون انسان شهید نمی‌شود مگر آنکه قبل از شهادت، کامل شده باشد. ضمن آنکه من هنوز به آرزویم نرسیده‌ام.» من که در پی راهی برای بازگشت یا جان‌پناه امنی بودم، پرسیدم: تیمسار شما مگر چه آرزویی دارید؟ لحظه‌ای تأمل کرد و سپس گفت: «می‌دانی تنها آرزوی من چیست؟» گفتم: آرزوی هر فرد نظامی در مرحله اول، سربلندی میهن و اهتزاز پرچم کشور به نشانه عزت و عظمت آن ملت است و این نشان می‌دهد که مردم آن کشور زنده، پویا و در دنیا قابل احترام هستند. شهید فلاحی باینکه تیمسار بود اما مانند سربازان صفر به جنگ با تجزیه‌طلبان رفت و در کف خیابان‌ها به مقابله با آن‌ها پرداخت و آن‌ها را شکست داد و در جنگ با دشمن متجاوز به خاک ایران نیز فداکاری‌ها از خود نشان داد. بر همه مبرهن است که شهید فلاحی چهره منحصر به فرد ارتش ایران پس از انقلاب است. او انگیزه‌های نظامی را در کارکنان نیروی زمینی ارتش احیا کرد؛ فرماندهی که بر مبنای عملکردش از فرماندهی نیروی زمینی ارتش تا ریاست ستاد مشترک ارتش و اداره راهبردی جنگ در سال اول، به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین نظامیان نیروهای مسلح در یک‌صد سال گذشته بوده است.

این دانشکده بود و بعد از پایان دوره برای آموزش در همین دانشکده دعوت شد. نکته بسیار جالب درباره شهید ولی‌الله فلاحی این است که از سال ۱۳۵۱ تا اواسط ۱۳۵۳ با درجه سرهنگ دومی، به‌عنوان «ناظر صلح سازمان ملل» به کشور ویتنام اعزام شد و پس از بازگشت، بار دیگر در دانشکده فرماندهی و ستاد به تدریس ادامه داد. شهید فلاحی چند ماه مانده به پیروزی انقلاب اسلامی در ۱۲ مهر ۱۳۵۷ خورشیدی به درجه سرتیپی نائل شد و در سمت معاونت فرماندهی مرکز پیاده شیراز به خدمت پرداخت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی طی حکمی بازنشسته شد اما طولی نکشید که با موافقت شورای عالی انقلاب اسلامی و با حکم دیگری از جانب سرلشکر قرنی به خدمت اعاده و به فرماندهی نیروی زمینی منصوب شد. امیر فلاحی پس از پشت سر گذاشتن مشکلات فراوان، بخصوص بحران و تشنج در منطقه کردستان که به دست ضدانقلاب وابسته صورت می‌گرفت و همچنین پس از موفقیت در تحکیم نظم و انضباط و مقررات و سازمان‌دهی نیروی زمینی، در تاریخ ۲۹ خرداد ۱۳۵۸ شمسی به ریاست ستاد مشترک ارتش برگزیده شد. سه ماه بعد با شروع جنگ عراق با ایران، شهید فلاحی همواره در مناطق جنوب یا غرب کشور حضور داشت و از نزدیک ناظر طرح‌های مختلف عملیاتی و لجستیکی بود. وی هفته‌ای ۴۸ ساعت در ستاد مشترک حضور می‌یافت، جلسه‌ای تشکیل می‌داد و پس از اعلام دستورهایی جهت تسریع در امور و ایجاد هماهنگی با ارگان‌های ستادی و سایر نیروها پس از ارائه گزارشی مستقیم به امام خمینی بار دیگر به مناطق عملیاتی عزیمت می‌کرد. پس از عزل ابوالحسن بنی‌صدر اولین رئیس‌جمهوری اسلامی ایران فرماندهی کل قوا امام خمینی اختیارات فرماندهی کل قوا را به وی تفویض کردند.

شهید فلاحی در طول جنگ رشادتهای فراوانی از خود نشان داد. تا جایی که بعدها برابر تصویب «شورای عالی نشان‌ها» در ارتش ایران، به‌پاس فرماندهی و مدیریت تیمسار سرلشکر فلاحی در صحنه‌ها و برهه‌های سرنوشت‌ساز دوران انقلاب تا عملیات ثامن‌الائمه و ایشار نخستین نشان فداکاری به سرلشکر فلاحی تعلق گرفت. اما برای پی بردن به ایشار فلاحی باید به نکته دیگری اشاره کرد.

یکی از محافظین شهید فلاحی بانام «جعفر



مجموعه توانایی‌های ذهنی و فنی فلاحی موجب شده بود که در رأس ارتش ایران پس از انقلاب قرار بگیرد. او با بهره‌گیری از ویژگی‌هایی که داشت، ارتش را در سال‌های اولیه پس از انقلاب و وقوع جنگ تحمیلی زنده و کارآمد نگاهداشت. یکی از ویژگی‌های شهید فلاحی شناخت او از «سازمان ارتش» و چگونگی عملکرد آن بود